

بنابراین باید سعی کنیم، عمل ما «احسن» باشد. برای اینکه «احسن» باشد، باید ببینیم رضایت خدا در چیست. یکی از چیزهایی که مورد رضایت الهی است، این است که کاری که انجام می‌دهی، متقن انجام بدهی؛ برای خدا انجام بده؛ متقن.

این اتقان در برخی جاها اگر هم نباشد، ضرری نمی‌رسد؛ نمره بالا نمی‌گیرد؛ اما ضرری هم نمی‌رسد؛ ولی در برخی جاها اگر متقن نباشد، ضرر می‌رسد.

رسانه از آن جاهایی است که بخش‌های مهمی از آن اگر متقن نباشد، فقط یک نقص نیست؛ بلکه مضر هست. اگر یک مطلبی را از رهبری معظم، مثلاً از حضرت امام رحمه‌الله، یا از بزرگان علما ما نقل کنیم که مطابق واقع نباشد- چون اینها الگوی دیگران هستند- قهراً باعث می‌شود، یک مسیر اشتباه و یک راه نادرستی معرفی شود.

فلذا آن‌جا هم مسأله «أَنْ تَوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» است. امین باید آنچه را که تلقی می‌کند، در مقام تلقی، بدون کم‌وکاست، بدون اعمال نظر، این را به دیگران منتقل کند. «مخبر» وظیفه‌اش این است.

ببینید ما در فقه، همه می‌گوییم فقه‌ها، می‌گویند: فتوای شیخ انصاری- با اینکه در قهه فقا‌هت و اجتهاد قرار دارد- برای ما حجت نیست. چرا؟ چون اعمال اجتهاد و اعمال نظر کرده و چون اعمال اجتهاد و نظر کرده، فرمایش او و فتوای او برای مجتهد آخر حجت نیست؛ بله، برای مقلدینش حجت است در زمان خودش. چرا؟ چون خبر شد «حدسی»؛ حدس، یعنی اعمال نظر، برداشت خودش، حجت نیست.

اما «اخبار» او چگونه؟ اخبار یعنی: من همان چیزی را که هست، نقل می‌کنم؛ هیچ فهم و برداشت خودم و امثال ذالک را دخالت نمی‌دهم. در اجتهاد، در فتوای مجتهد، فهم و استظهار خودش را اعمال می‌کند و می‌گوید: فلان چیز واجب است، حرام است، مکروه است، مستحب است، صحیح است یا باطل است و مانند این‌ها.

اما در خبر چی؟ نه؛ من اعمال نظر نمی‌کنم. خود آن گفته را در اختیار قرار می‌دهم. شما خودتان باید نظر کنید و ببینید. اگر یک راوی بیاید بگوید: من این‌گونه از کلام امام برداشت کردم، به او می‌گوییم: «شَكَرَ اللهُ سَعْيَکَ»؛ اما این به درد ما نمی‌خورد.

شما نگاه کنید؛ در احوالات، مثلاً عبداللّٰه بن بُکیر، ایشان در باب نکاح یا طلاق، مطلبی را گفته است. سائل از او می‌پرسد: «این را نقل می‌کنی یا نظر خودت است؟»، او گفته که «بله، این مطلبی است که رَزَقَنی الله»؛ یعنی برداشت داشته و گفته: «به درد نمی‌خورد، برای خودت حجت هست».

آنچه به‌درد می‌خورد که خبر باشد؛ خبر یعنی همین واسطه در نقل آن مطلب بدون کم و زیاد، به منقول‌الیه. این مطلب را عرض کردم: رسانه «متمم جعل» است؛ یعنی اگر این رسانه نباشد، آنچه جعل شده، منتقل نمی‌شود، در همانجا دفن می‌شود و به مخاطب نمی‌رسد. رسانه به‌معنای عامش «متمم جعل» است؛ اما این مطلب وقتی می‌تواند درست عمل کند که امانت‌داری در آن باشد و کم و زیاد نشود.

امیدواریم که ان‌شاءالله این‌گفت‌وگوها موجب شود، هم ما در کارهای مان ان‌شاءالله در تصمیمات و اندیشه‌های‌مان به این جهت، توجه بیشتری داشته باشیم و هم شما عزیزان ان‌شاءالله دقت بیشتری مبدول دارید.

و اما دو کلمه نیز درباره ویژه نامه «سیره پارسایان»- که چه نام خوبی است: در باب تربیت نفس عرض کنم.

یکی از راه‌های آسان و پُرثمر که هم آسان است و هم پُرثمر، این است که انسان یک الگوهای مطمئن را فراهم خود قرار دهد و کارهای خود را با آن تنظیم کند. چرا گفتم: «آسان»؟ به‌خاطر اینکه گاهی انسان برای اینکه راه درست را به دست بیاورد، باید بروذ زحمت بکشد، منابع را ببیند، استدلال‌ها را ببیند و باکوشش فراوان و استفراغِ وسیع به این



**ویژه‌نامه «سیره پارسایان»** نامی بسیار زیبا و دل‌نشین است، من از این دو جلد چاپ شده لذت بردم. یکی از آسان‌ترین و پُرثمرترین ابزارهای تربیت نفس مطالعه و استفاده از سیره عالمان و بزرگان دین است؛ زیرا انسان را قادر می‌سازد تا به جای زحمت اجتهاد و استدلال در هر مسئله، الگوهای مطمئن و اهل تقوای واقعی را پیش روی خود قرار دهد و رفتارش را با آنان هماهنگ کند.

اسوه قرار دادن سیره پارسایان هم آسان است، هم ریشه در تجربه یک عمر زندگی عملی دارد و هم اطمینان خاطر می‌آورد؛ چرا که عمل بزرگان خود قوی‌ترین دلیل بر درستی آن راه است.

**مطالعه زندگی علما تجربه‌ای شیرین، آموزنده و نشاط بخش است و نشر «سیره پارسایان» وسیله‌ای تربیتی گران‌سنگ و راهگشا، برگرفته از تجربه سالیان و آموزه‌های اسلامی می باشد.**

برسد که این ارزش است. خب، این خیلی زحمت دارد. به‌قول شیخ انصاری رحمه‌الله، اجتهاد مثل این است که بخوایم، کوهی را با ناخن بتراشیم؛ چقدر زحمت دارد؟ چقدر وقت می‌برد؟

اما گاهی یک بزرگی را که محلّ اعتماد است، الگوی خود قرار می‌دهیم؛ مرحوم صاحب «معالم» در «معالم» می‌فرماید: هم مجتهدین با استدلال حرف می‌زنند و هم مقلدین؛ ولی فرقان در چیست؟ فرق در اینجاست که مقلد همیشه یک دلیل دارد: «هذا ما أفتی به المفتی وکلّ ما أفتی به المفتی فهو حجّة الله فی حقّی وهذا حجّة الله فی حقّی»؛ هر مسأله‌ای که پیش بیاید، دلیل شرعی دارد و دیگر زحمتی نمی‌خواهد بکشد؛ اما مجتهد باید در هر مسأله، دلیل جداگانه بیاورد و استدلال جدا داشته باشد، زحمتش جدا بکشد.

الگو و سرمشق چیزی است که هم آسان است و هم اثر با رزی دارد. انسان وقتی که عمل را از بزرگان، اهل تقوا و معتمدان می‌بیند، یک آرامشی پیدا می‌کند که راه درست همین است؛ فلذا خدای متعال در قرآن شریف [می‌فرماید]: «وَلَوْ كُنْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُشُوهُ حَسَنَةٌ». رسول‌الله که معصوم است صلوات الله وسلامه علیه وآله؛ ولی در سوره مبارکه «ممتحنه» فرموده: «فِي إِبْرَاهِيمَ وَالْذِينَ مَعَهُ» در وجود حضرت ابراهیم علیه السلام و کسانی که همراه او بودند- پیروان و شیعیان ایشان بودند- اسوه حسنه است برای شما که آنها در دشمن‌شناسی و مواقف آنها در برابر دشمن چگونه بود؟

این اسوه قرار دادن علما و بزرگان و اهل تقوا- زندگی‌های اینان چنین بوده- هم راهی است که اوّلاً دیگر لازم نیست، تکتک انسان بروذ استدلال و دلیل را ببیند، ثانیاً برخاسته از یک عمر تجربه آنان است و ثالثاً انسان وقتی عمل بزرگان را می‌بیند، اطمینان پیدا می‌کند؛ می‌گوید: اگر این عمل خوب نبود، خودشان انجام نمی‌دادند؛ فلذا عالم بی‌عمل خیلی مُضَر است؛ حرفش مورد تصدیق واقع نمی‌شود؛ می‌گویند: اگر راست می‌گفت که خودش عمل می‌کرد.

این است که «سیره پارسایان» را در اختیار افراد قراردادن حقیقتاً

یک عنصر تربیتی است که خدای متعال در قرآن و ائمه علیهم السلام نسبت به آن تحریص و ترغیب فرموده‌اند و کار بسیار شایسته‌ای است. منتها نکاتی نیز در همین باب خوب است، مورد توجه واقع شود.

من از این دو جلد چاپ‌شده، لذت بردم. از نوجوانی بسیار علاقه داشتم به مطالعه احوالات علما. مثلاً تقریباً تمام «أعیان‌الشیعه» را مطالعه کردم، یا طبقات و أعلام‌الشیعه حاج‌آقا بزرگ تهرانی را و این‌قدر شیرین بود که معمولاً بعد ازظهرها که می‌خواستم کمی استراحت کنم، کنار دستم بود؛ ولی گاهی این‌قدر شیرین بود که تمام وقت مرا می‌گرفت و دیگر نمی‌گذاشت بخوانم؛ باید می‌رفتم درس، یک چیزی بخوانم؛ یعنی شیرینی احوالات علما...

منتها هر جلدی، هرچند تقریباً راجع به یک بزرگی بوده و احوال او را نقل کرده؛ ولی شما که اهل فنّ هستید-تخصص شما عزیزان است- من الان چیزی به ذهنم می‌آید که شاید درست نباشد؛ ولی عرض می‌کنم و آن این است که راجع به حضرت امام [است]، شما می‌خواهید این مجموعه ادامه داشته باشد. پرسیدم از جناب آقای رستمی که آیا بناست ادامه داشته باشد؟ فرمودند: بله. شما می‌خواهید از امام همیشه مطلب داشته باشید، اگر هر شماره ده تا بیست مطلب نقل کنید و شماره‌های بعد نیز ده تا بیست مطلب دیگر، مطلب تمام می‌شود؛ چقدر می‌توان نقل کرد؟ ولی اگر هر دفعه دو مورد را نقل کنید، یا یک مورد را نقل کنید، بعد در سیره بزرگان قهراً آن روایات یا آیات مبارکاتی که هست، بله؛ ولی آن شاکله بیشترش این است که سیره‌ها هم نقل می‌شود.

و حالا لازم هم نیست که صد و پنجاه یا صد و شصت صفحه باشد. الان نگاه کنید؛ جامعه مدرسین «مجله نور‌علم» را تأسیس کرد و مدتی که گذشت، دیدند کفگیر به ته دیگ می‌خورد؛ تبدیل شد؛ یعنی دیگر مطلب متقن فراوان به آن معنا که می‌خواستند، به دست نمی‌آمد؛ چون همیشه مطالب بسیار متقن و ویژه پیدا نمی‌شود.

مطلب دوم این است که در مورد فرمایشات و سیره بزرگان- ببینید

در احادیث شریف هم هست- که بعضی از حرف‌هایی که ائمه علیهم السلام زدند، این‌طور نیست که هرکس فهم باشد. برخی از آن‌ها «صَغُبْتُ مُشْتَصَعِبٌ» است؛ فلذا ائمه اطهار علیهم السلام دستور داده‌اند که بعضی از این مطالب را برای هر کسی نقل نکنید. اگر دیدید مخاطب شما مخاطبی است که قابلیت و استعداد درک این مطلب را دارد، برای او بگویید؛ والا گاهی گفتن آن برای برخی افراد، ممکن است منجر به این شود که خدای نکرده برخلاف آنچه که مقصود هست، برداشت نادرستی کنند.

در سیره بزرگان نیز همین‌گونه است. گاهی سیره‌هایی وجود دارد که- حالا معصوم که نبوده- ممکن است در جایی سیره نقل شده درست نباشد. در مورد معصوم که نمی‌شود نادرست باشد؛ اما درباره غیرمعصوم ممکن است در جایی اشتباه کرده باشد؛ مثلاً نگاه کنید: در احوالات مقدّس اردبیلی رحمه‌الله داستان معروفی نقل شده است که ایشان، مرکبی را اجاره کرده بودند برای رفتن به جایی. در همین بین، شخصی آمد و نامه‌ای به ایشان داد و گفت: «لطفاً این را نیز برسانید.» در احوالات ایشان چنین نقل شده که دیگر ایشان بر آن مرکب سوار نشدند و تا مقصد پیاده رفتند؛ گفتند: «وقتی اجاره کرده بودم، بر این اساس بود که کاغذی به این اندازه در جیبم نباشد؛ اکنون که این کاغذ در جیبم است، دیگر بر این مرکب سوار نمی‌شوم.» خب، این با کدام فقه جور درمی‌آید؟ ما به طلبه می‌گوییم: این‌طور که صحیح نیست روشن است. اولاً معلوم نیست این راست باشد [و] با فقا‌هت و عظمت ایشان [هم] سازگار نیست؛ اگر هم صحیح باشد- چون معصوم نیست- ممکن است صرفاً سلیقه باشد... اینها را باید توجه کنیم.

همین امروز در جلد اول همین کتاب شریف، مطلبی دیدم از حضرت امام نقل شده بود. حکایت از این داشت که حاج‌آقا مصطفی رحمه‌الله درباره طلبه‌ای، مکرراً- دو یا سه بار- خدمت امام عرض کرده بود: «آقا، چیزی به ایشان کمک کنید نیازمند و مستمند هست.» بار اول گفت، امام قبول نکردند؛ بار دوم گفت، امام قبول نکردند. بار سوم وقتی حاج‌آقا مصطفی عرض کردند، امام کلیدی به ایشان دادند و فرمودند: «این کلید و این هم صندوقی که وجوهات در آن است؛ این کلید دست تو؛ جهنّمش با خودت.»

اینجا برای کسی که برای طلبه‌ای که می‌خواند، سؤالی در ذهن ایجاد می‌شود: اگر دادن این اجازه اشکال دارد، پس دادن کلید نیز نباید جایز باشد و اگر به قول حاج‌آقا مصطفی اعتماد دارید، او که دو سه بار گفته دیگر؛ بعضی مطالب اگر بدون دقت کافی نقل شود، گاهی بدآموزی دارد و برخی را در مسیر خطا می‌اندازد.

در نقل سیره بزرگان باید آن بخش‌هایی که مشتبّه است- خود قرآن فرموده: «مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»- برخی از سیره‌ها «متشابهات» است؛ یعنی وجه آن‌ها روشن نیست و سؤالاتی درباره آن وجود دارد. در این میان باید دقت شود. حال نمی‌دانم که این مجموعه از نظر ساختاری شورای نگهبان دارد یا ندارد؛ اما گاهی بالاخره چنین کاری «شورای نگهبان» می‌خواهد که با توجه به خصوصیات مختلف، چک کنند آن فرآورده را تا هم مطالبی باشد از نظر اسناد نسبت به بزرگان متقن باشد و هم از نظر محتواها مواردی نباشد که متشابه بوده یا با فقه و فقا‌هت و این‌ها سازگاری نداشته باشد.

ولی همان‌طور که عرض کردم، بسیار کار شایسته‌ای است و آثار تربیتی فراوانی دارد. وقتی که روایات اهل بیت علیهم السلام و آموزه‌های اسلامی در کنار این سیره‌های بزرگان و پارسایان از علما رضوان‌الله‌علیهم- چه آنان که از دنیا رفته‌اند و چه آنان که حیات دارند که «أدام الله ظلالَهُم ان‌شاءالله»- می‌تواند بسیار [مفید] باشد.

از تصدیعی که داشتم، عذر می‌خواهم و باز هم از شما عزیزان تشکر می‌کنم و امیدوارم که ان‌شاءالله در باب خبر و رساندن مطالب به دیگران، جزء کسانی باشید که نامه عمل شما مختوم به أَحْسَنُ عملاً باشد ان‌شاءالله و خدای متعال خدمات شما را بپذیرد و بهترین اجرها در دنیا و آخرت، عنایت فرماید و مشمول عنایات خاصّه حضرت بَقِيَّةُ‌الله‌الأعظم ارواحنا فداه و فاطمه معصومه؟ عها؟ باشید که ذخیره مذ‌خوره خداوند تعالی است. ان‌شاءالله حرم مشرف می‌شوید، از آن بزرگوار هم بخواهید که از شما دستگیری کند که بتوانید به بهترین وجه انجام وظیفه کنید. «وآخر دعوانا عن الحمد لله رب‌العالمین»

## ویژه‌نامه دو جلدی «سیره پارسایان» رونمایی شد



ویژه‌نامه «سیره پارسایان»، مجموعه‌ای ارزشمند از تبیین سیره عملی، سبک زندگی معنوی، سیاسی، اجتماعی و تربیتی عالمان ربانی و پارسایان تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه است که با هدف الگوسازی برای طلاب و جامعه اسلامی، به کوشش هفته‌نامه افق حوزه (وابسته به مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه قم) منتشر شده است.

این نشریه با گردآوری روایت‌های مستند و دقیق از احوال، مواضع و سلوک عملی بزرگان دین، راهی آسان و اثرگذار برای تربیت نفس و دستیابی به مقام «احسن عملاً» پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد.

**عناوین مهم ویژه نامه «سیره پارسایان»**

- سیره اخلاقی آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی رحمه‌الله
- سیره اخلاقی آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمه‌الله
- حکایت‌های اخلاقی از آیت‌الله العظمی شاه آبادی رحمه‌الله
- توصیه‌های اخلاقی آیت‌الله قاضی طباطبایی رحمه‌الله
- روژه در سیره آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله
- حکایت‌های اخلاقی از امام خمینی رحمه‌الله
- خاطراتی از سبک زندگی امام‌خامنه ای رحمه‌الله
- تلاوت قرآن در زندگی آیت الله گلپایگانی رحمه‌الله
- چند توصیه از آیت الله العظمی تبریزی رحمه‌الله
- زائر واقعی از نگاه آیت الله العظمی بهجت رحمه‌الله

- سیره اخلاقی آیت‌الله شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی رحمه‌الله
- احترام به استاد از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری
- سیره اخلاقی آیت‌الله شیخ عباس قمی رحمه‌الله
- توبه و انواع آن در کلام آیت الله مشکینی رحمه‌الله
- آیت‌الله وحید بهبهانی رحمه‌الله
- سید مرتضی رحمه‌الله و لذت نماز
- آیت‌الله‌العظمی شاه‌آبادی
- وظیفه‌شناسی و بزرگواری آقا محمود بهبهانی رحمه‌الله
- آیت‌الله قاضی طباطبایی
- تذکر ملاعباس تربتی رحمه‌الله درباره آبروی مردم
- آیت‌الله‌العظمی نائینی رحمه‌الله
- بصیرت آیت‌الله حاج آقا رضا همدانی رحمه‌الله
- برنامه‌های عبادی روزانه شهید آیت‌الله مدرس رحمه‌الله در تبعید
- آیت‌الله میرزا جوادآقا تهرانی رحمه‌الله
- آیت‌الله مجتهدی تهرانی رحمه‌الله
- آیت‌الله‌العظمی خوانساری رحمه‌الله
- آیت‌الله کوهستانی رحمه‌الله
- آیت‌الله قاضی طباطبایی رحمه‌الله

و ...